



رویکرد متعالی اسلام به حقوق خانواده و نقش آن در تعادل و کارآمدی خانواده

*
علی نبی پور

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش رعایت حقوق اعضای خانواده در تعادل و کارآمدی آن با مبنای فقهی - اسلامی می‌پردازد. تأثیر رعایت حقوق پیش‌بینی شده اسلام برای اعضای خانواده در تعادل خانواده، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از آیات و روایات بررسی شده است.

دین مبین اسلام برای هر یک از اعضای خانواده شامل زن، شوهر، فرزند، پدر و مادر حقوقی وضع کرده است و از آنجا که حق و تکلیف دو روی یک سکه‌اند، در مقابل این حقوق، وظایفی نیز برای طرف مقابل معین نموده است. بر اساس منابع دینی، رعایت حق و انجام وظیفه در کنار هم می‌توانند تأمین‌کننده تعادل و کارآمدی خانواده باشند.

کلیدواژه: خانواده، حقوق، کارآمدی، تعادل، فرزند، زن، شوهر، والدین، اسلام.

* دانش آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس حقوق.

مقدمه

خانواده خاستگاه بشر است و هیچ بنیانی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج در نزد خدا نیست^۱ و از مهم‌ترین عوامل استحکام، آرامش، تعادل و کارآمدی خانواده، رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر است.

برای پیش‌گیری از کم‌رنگ شدن روابط صمیمانه و یا از بین رفتن کانون خانواده و روابط خانوادگی و برای روزافزون کردن کارآمدی خانواده، آشنایی با حقوق، تکالیف و شفاف بودن حدود و انتظارات الزامی و غیرالزامی افراد خانواده اجتناب‌ناپذیر است؛ یعنی اگر زن و شوهر از ابتدا به حقوق و وظایف یکدیگر و فرزندان آشنایی کامل داشته باشند و با توجه به این حقوق و وظایف، عملکرد خود را تنظیم نمایند، سلامت خانواده بیشتر تأمین خواهد شد؛ زیرا بسیاری از ناسازگاری‌هایی که سلامت خانواده را به خطر می‌اندازد و آن را سست می‌کند، ریشه در رعایت نکردن حقوق و قدرشناسی هر یک از اعضا نسبت به دیگران است. در خانواده‌ای که اعضای آن وظیفه خود را به خوبی می‌شناسند و به آن عمل می‌کنند، فضای دوستی، مهر و همکاری حاکم می‌شود و افراد در سایه آرامش به وجود آمده، به سعادت دنیا و آخرت می‌رسند.

احکام شرع، قوانین و مقررات گوناگونی دارد که نظام اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی، همه نیازهای بشر، پیش‌بینی شده است؛ شیوه معاشرت با همسایه، اولاد، خویشان و همشهریان، امور خصوصی و زندگی زناشویی، مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی.

شرع مقدس قبل از نکاح و انعقاد نطفه قانون دارد و دستور می‌دهد که نکاح چگونه صورت بگیرد و خوراک انسان در آن هنگام یا موقع انعقاد نطفه چه باشد،

در دوره شیرخوارگی چه وظایفی بر عهده پدر و مادر است، کودک چگونه باید تربیت شود و برخورد زن و شوهر با همدیگر و با فرزندان چگونه باید باشد. اسلام برای همه این مراحل دستور و قانون دارد تا انسان تربیت کند.²

درباره ادای حق مؤمنان نیز در متون دینی آمده است که خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است؛³ یعنی اینکه رعایت حقوق نه فقط عامل استحکام و تعادل خانواده است، بلکه عبادت است و خداوند در مقابل انجام وظایف و رعایت حقوق به انسانها پاداش می‌دهد.

نکته مهمی که در بررسی حقوق خانواده به‌ویژه حقوق زن و شوهر باید به آن توجه کرد، این است که در اسلام تمام حقوق انسانی زن و مرد، یکسان است، ولی با توجه به ویژگی‌ها و ماهیت خلقتی زن، باید حقوق ویژه‌ای برای آنان در نظر گرفت؛ همان‌گونه که رعایت حقوق مردان نیز ضروری است.

تعاریف

خانواده: خانواده سازمانی اجتماعی و عمومی است که براساس ازدواج بین یک مرد و یک زن شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی به چشم می‌خورد. خانواده نوعی اشتراک مکانی دارد و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی و تربیتی را نیز بر عهده دارد.⁴

حق: امری اعتباری است که برای کسی (له) بر دیگری (علیه) وضع می‌شود.⁵ حق، ممکن است ریشه واقعی داشته و یا نداشته باشد؛ یعنی در مفهوم آن، وجود یا عدم وجود ریشه واقعی ملحوظ نیست.⁶

از مهم‌ترین لوازم حق، بهره‌وری است؛ کسی که نسبت به چیزی یا کسی حق دارد، می‌تواند از متعلق حق خود بهره‌مند گردد. اختصاص و امتیاز نیز از لوازم حق‌اند؛ چون بهره‌ای که صاحب حق از موضوع حق خود می‌برد، مانع از آن

می‌شود که دیگران آن بهره را ببرند. می‌توان گفت که نفع مذکور به ذی‌حق اختصاص دارد و چون دیگران از این بهره‌وری ممنوع‌اند و حق به سود ذی‌حق علیه آنان است، لذا حق نوعی امتیاز برای ذی‌حق ایجاد کرده است.⁷

در حقوق اسلام (فقه امامیه) عقیده بر این است که هر حق دست کم باید یکی از سه اثر ذیل را داشته باشد: قابلیت اسقاط، قابلیت نقل، قابلیت انتقال.⁸

خانواده متعادل: خانواده متعادل و کارآمد، خانواده‌ای است که با پابندی اعضای آن به باورهای دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند.⁹

رابطه حق و تکلیف

حق و تکلیف دو مفهوم متقابل و دو روی یک سکه‌اند؛ وقتی شوهر حق دارد از اشتغال همسرش به کار جلوگیری کند، زن تکلیف دارد که از اشتغال به کار امتناع کند. در نتیجه، حقوق و تکالیفی که در رفتارهای اجتماعی انسان‌ها و در ارتباط متقابل آنها نمود می‌یابند، جعل متقابل دارند و وضع هر یک مستلزم وضع دیگری است؛ یعنی هر جا حقی جعل شود، حتماً تکلیفی نیز به دنبال دارد و هر جا تکلیفی بر عهده شخصی گذاشته می‌شود، به یقین برای رعایت حقی بوده است.¹⁰

تفاوت اخلاق و حقوق

تفاوت اخلاق و حقوق را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

الف) تمامی ارتباط‌های انسان به روابط وی با خود، رابطه‌اش با خدا، رابطه او با طبیعت و رابطه او با دیگر انسان‌ها تقسیم می‌شود. حقوق، فقط رفتار اجتماعی انسان را دربرمی‌گیرد، ولی اخلاق افزون بر رفتار اجتماعی، شامل رفتاری فردی انسان

نیز می‌شود؛ به عبارت دیگر، اخلاق، ارتباط انسان با خدا، خودش و دیگران (طبیعت و دیگر انسان‌ها) را مورد نظر قرار می‌دهد، ولی حقوق فقط شامل ارتباط انسان با دیگر انسان‌هاست.

ب) حقوق ضمانت اجرای دولتی و بیرونی‌اند و این ضمانت اجرا در مسائل اخلاقی دیده نمی‌شود. ضمانت اجرای ارزش‌های اخلاقی، وجدان انسانی و ضمانت اجرای درونی است.

ج) بایدها و نبایدهای اخلاقی، کلی، ثابت و جاودانی‌اند؛ برخلاف بایدها و نبایدهای حقوقی که کم‌وبیش دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌شوند.¹¹

گونه‌های حقوق و تکالیف در خانواده

رفتارهای انسانی از دیدگاه دینی پنج دسته می‌شوند که عبارتند از: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح. انجام تکالیف واجب، با شرط منع از ترک فعل است، به خلاف تکالیف استحبابی که شرط منع از ترک فعل در آن وجود ندارد؛ همچنین در مورد احکام حرام و مکروه.

برخی از حقوق و تکالیفی که دین در جامعه و کانون خانواده برای اعضا در نظر گرفته، الزامی است؛ به عبارت دیگر شرط منع از ترک فعل در آنها جاری است و هر یک از اعضا در مقابل حقوقی که برای او وضع شده است، حق دارد «من علیه الحق» را بازخواست نماید.

دسته‌ای دیگر از حقوق الزامی نیستند و ترک تکلیف و رعایت نکردن حق، بازخواست به دنبال ندارد. البته این نکته باید توجه داشت که حق و تکلیف برای دستیابی به خانواده‌ای سالم و متعادل وضع شده است. در شرع و براساس منابع دینی، دسته اول با عنوان حقوق واجب معرفی شده‌اند و دسته دوم جزو مستحبات و گاهی اعمال مباح به حساب می‌آیند.

اینکه برخی حقوق و تکالیف را الزامی و برخی را غیرالزامی می‌نامیم، از دید حقوقی و قانونی است؛ زیرا برای رعایت هر دو، از جانب خداوند پاداش و اجر اخروی در نظر گرفته شده است. اگر حقوق واجب ترک شود و عضوی از اعضای خانواده، تکلیف الزامی خود را انجام ندهد، افزون بر بازخواست قانونی و مدنی، خداوند فرد را عذاب خواهد کرد، ولی ترک وظایف غیر الزامی - همان گونه که از نام و تعریف آن پیداست - بازخواست دنیوی و مجازات اخروی در پی نخواهد داشت.

با توجه به آنچه گفته شد، بدیهی است که حقوق غیرالزامی دارای پشتوانه الزام اخلاقی است؛ زیرا تضمین کارآمدی کانون خانواده را براساس الزام حقوقی و قانونی بدانیم، خانواده از جمعی عاطفی و گرم به سازمانی خشک، بی‌روح، بدون عاطفه، اخلاق و بدون استحکام تبدیل خواهد شد و استوار و پایدار نخواهد ماند. خانواده سازمان حقوقی صرف نیست که قانون بتواند نظم را در آن ایجاد کند، بلکه نهادی است بیشتر عاطفی و اخلاقی که نیازمند مجموعه‌ای از قواعد حقوقی و اخلاقی است. باز، بین حقوق و اخلاق، غلبه با اخلاق است؛ زیرا بیشتر قوانین مربوط به آن ضمانت اجرای مؤثر دولتی و بیرونی ندارد.

در تمام جوامع، خانواده نماینده و مظهر اخلاق عمومی است و آنچه در خانواده باید به وجود آید عشق، مهربانی، حسن نیت و اعتماد متقابل است و هیچ نیرویی جز اخلاق و ایمان نمی‌تواند بر این عواطف حکومت کند. الزام به تأمین معاش خانواده و تربیت فرزندان و تکلیف زن و فرزندان نسبت به خوش‌رویی با مرد و اطاعت از او، پیش از آنکه بخشی از قوانین و مقررات خشک حقوقی باشد، از قواعد اخلاقی است.

در قوانین و مقررات حقوقی تکالیفی وجود دارد، که مصداق آنها داری الزامی

اخلاقی است نه حقوقی. برای مثال، قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد که «زن و شوهر مکلف به معاشرت با یکدیگرند»¹² و باید در تشییع مبنای خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند»¹³. بر طبق ماده دیگری «طفل باید مطیع ابویین خود بوده و در هر سنی به آنها احترام بگذارد»¹⁴. با این همه، آیا همکاری زن و مرد در خانه، تکلیف زن در پرستاری از شوهر بیمار خود، یا الزام مرد در رساندن فرزندانش به مدرسه را می‌توان فقط الزامی حقوقی دانست؟ بدون شک انجام این کارها لازمه حسن معاشرت و همکاری زن و شوهر در تربیت اولاد است، ولی برای الزام به آنها نمی‌توان در دادگاه اقامه دعوی کرد. آنچه مسلم است جنبه اخلاقی این امور، بر آثار حقوقی آنها غلبه دارد. پس، در خانواده نمی‌توان حقوق و اخلاق را از هم جدا کرد و مرز بین قواعد آن دو را به دقت رسم کرد.

اگر اعضای خانواده با اختیار خود و با توجه به آموزه‌های اخلاقی، حقوق یکدیگر را رعایت نکنند، نمی‌توان با اجبار آنان به رعایت حقوق الزامی، به تعادل دست یافت. این مطلب در مورد تکالیف غیرالزامی حقوقی روشن است.

تقسیم‌بندی دیگری در مورد حقوق خانواده به شرح ذیل می‌توان ارائه داد:

الف) حقوق زن؛

ب) حقوق شوهر؛

ج) حقوق فرزندان؛

د) حقوق والدین.

کارآمدی خانواده فقط مستلزم رعایت حقوق است و به هر میزان که حقوق

- الزامی یا غیرالزامی - رعایت شود بر سلامت و تعادل آن افزوده خواهد شد.

حقوق زن

الف) نفقه

نفقه واجب که از حقوق زن شمرده می‌شود و مرد ملزم به تهیه آن است. امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید:

نفقه، شرعاً اندازه‌ای ندارد، بلکه قاعده این است که به آنچه زن احتیاج دارد، از قبیل غذا، خورش، پوشش، فرش، پرده، سکونت دادن، خادم داشتن و وسایلی که بر آشامیدن و پختن و نظافتش و غیر اینها به آنها نیاز دارد، قیام نماید. و اما خادم گرفتن وقتی واجب است که صاحب جلال و شأن و از صاحبان خدمتگزار باشد، وگرنه باید خودش خود را خدمت کند و اگر جلال و شأن او طوری باشد که چند خدمتگزار داشته باشد، بعید نیست که واجب باشد و بهتر آن است که در تمام این موارد ذکر شده به عرف و عادت، موکول شود. همچنین است در وسایل و ادواتی که احتیاج به آنها دارد. پس در آنها آنچه که برای امثال او به حسب نیازهای شهری که در آن سکونت دارد، متعارف است، باید ملاحظه شود.¹⁵

نفقه واجب عبارتند از:

1. فراهم نمودن مسکن مناسب

در اسکان او استحقاق دارد که او را در خانه‌ای که به حسب عادت، لایق امثال اوست، سکونت دهد و باید خانه مرافقی که احتیاج به آنها دارد، داشته باشد و زن می‌تواند از شوهر بخواهد که او را در مسکن از مشارکت غیر شوهر

تنها قرار دهد (هوو باشد یا غیر آن)، از خانه یا حجره که مرافق آن تنها مال او شود. یا به عاریه یا اجاره یا به ملک باشد و اگر از اهل بادیه باشد، کوخ یا خانه، جایی تنها که مناسب حال اوست، کفایت می‌کند و همچنین فرش و روی‌انداز، پس از آنچه را که بر زمین فرش می‌کند و آنچه که برای خواب از لحاف و بالش و آنچه که روی آن می‌خوابد، احتیاج دارد، باید برایش تهیه شود و در مقدار و جنس و وصف آن، به آنچه که در غیر آن ذکر شد، رجوع می‌شود.¹⁶

2. تهیه غذا و خوردنی‌های مورد نیاز

و اما غذا، کمیت آن مقداری است که برای سیر نمودن او کافی باشد و در جنس آن رجوع می‌شود به آنچه که برای امثال او در شهرش متعارف است و مناسب مزاج اوست و آنچه که عادت به آن کرده، به طوری که با ترک آن متضرر می‌شود و اما خورش از نظر مقدار و جنس مانند طعام، آنچه که برای امثال آنها در شهرش متعارف است و مناسب مزاجش می‌باشد و آنچه که عادتش است، رعایتش لازم است، حتی اگر عادت امثال او و مناسب مزاج آنها مثلاً دوام گوشت باشد، واجب می‌شود و همچنین به چیز خاص از خورش عادت داشته باشد که به ترک آن متضرر می‌شود، بلکه ظاهر آن است که رعایت آنچه که برای امثال او به طور عادی متعارف است، از غیر طعام و خورش مانند چای

و تنباکو و قهوه و مانند اینها لازم است و از این بهتر این است که مقدار لازمی از میوه‌های تابستانی که خوردن آنها در هوای گرم مانند چیز لازم جزو نفقه است. همچنین است آنچه که از میوه‌های مختلف در فصل‌ها برای مثل او متعارف است.¹⁷

3. تهیه پوشاک مورد نیاز و متناسب با شأن زن

و... همچنین است حال در پوشیدن. پس در مقدار و جنس آن، عادت امثال او و شهر سکونت او و فصولی که در زمستان و تابستان احتیاج به آنها دارد ملاحظه می‌شود؛ زیرا شدیداً در کم و کیف و جنس نسبت به این مسائل اختلاف هست، بلکه اگر از صاحبان تجمل باشد، واجب است که علاوه بر لباس بدن (لباس معمولی) لباسی به حسب حال او، برایش تهیه شود.¹⁸

4. تأمین هزینه‌های بهداشتی و درمانی

آنچه مسلم است، اینکه بنابر قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، حفظ سلامت زن به عهده مرد است و مطابق قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران هزینه‌های درمانی و بهداشتی جزئی از نفقه است.¹⁹ این بخش از ماده به دو نکته اشاره نموده است؛ یکی اینکه هزینه‌های بهداشتی زن بخشی از نفقه است، پس قبل از اینکه زن بیمار گردد، هزینه‌های پیش‌گیری از بیماری بر مرد واجب است و نکته دوم اینکه اگر زن بیمار شد نیز هزینه درمان وی از مصادیق نفقه می‌باشد. سلامت زن، شامل سلامتی جسمی و روحی وی است.

5. تهیه وسایل زندگی مناسب و متناسب با شأن زن

در مورد این وظیفه، چند نکته قابل توجه است:

اول) وجوب نفقه مشروط به تمکین کامل زن است، به طوری که اگر مرد، نفقه را از قبل پرداخت نمود، ولی زن مدتی از آن زمان نشوز داشت، نفقه ایام نشوز باید به مرد برگردانده شود و زن این مقدار از نفقه دریافتی را به همسر خود بدهکار است.

دوم) وجوب نفقه، مربوط به همسر دائم است.

سوم) وجوب نفقه، مشروط به عدم توانایی مالی زن، فقر و احتیاج او نیست.

چهارم) در صورتی که مرد از پرداخت نفقه امتناع کند، زن می تواند بدون اجازه، از اموال او به اندازه نفقه و مخارج متعارف خود بردارد.

پنجم) اگر مرد ثروتمندی با زن فقیری ازدواج کند، مرد نباید گذشته زن را برای پرداخت نفقه ملاک قرار دهد، بلکه باید حال او را در نظر بگیرد و متناسب با شأن و منزلت و نیاز فعلی اش مخارج و لوازم زندگی او را تأمین نماید.²⁰

ب) توجه به غریزه جنسی

قرآن در مورد خانواده می فرماید که خانواده از دو جنس مخالف یعنی، از زن و مرد تشکیل می شود و راه طبیعی تکثیر نسل انسان، همین است. رابطه و کشش متقابلی بین این دو هست که همدیگر را جذب می کنند و این، خود از آیات الهی است. همین گرایش فطری که به رفع نیازهای فیزیولوژیکی می انجامد، باعث می شود واحدی به نام خانواده به وجود بیاید. قرآن در این مورد می فرماید: «...وخلق منها زوجها و بثّ منهما رجالاً كثيراً و نساء...»²¹ ... و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد...»²² این نشان می دهد که نیاز جنسی، از نیازهای طبیعی و فطری انسان و یکی از انگیزه های اصلی تشکیل خانواده است. احساس جنسی و

اندام‌های مربوط به آن، بخش مهمی از وجود انسان است.

برای حفظ و استمرار سلامت و آرامش روانی و تعادل کانون خانواده، اولین نکته، تصدیق صریح و درک احساس جنبه جنسی همسر خویش است. غریزه جنسی مثل غذا خوردن و خوابیدن است و انسان همان‌گونه که گرسنه می‌شود به غذا نیاز دارد و همان‌گونه که می‌خوابد، غریزه جنسی او نیز باید اشیاع گردد، هم از طرف زن و هم از طرف مرد²³.

برادفورد²⁴ در مورد رضایت زوجین از زندگی، تحقیقی روی 351 زوج که زندگی مشترک آنان بیش از پانزده سال بود، انجام داد و از دلایل ادامه زندگی مشترکشان پرسید. نتایج این پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مؤثر در تداوم زندگی مشترک، رضایت از روابط جنسی بوده است.

باید توجه داشت که بی‌توجهی به این نیاز طبیعی زن، وی را دچار بیماری‌های روحی و جسمی خواهد کرد و به این دلیل که نیاز جنسی، نیاز طبیعی انسان است، دین مبین اسلام، برآورده کردن نیاز جنسی زن را حق وی و از تکالیف مرد دانسته است.

ج) گسترش بعد مادی زندگی

در روایات، یکی از وظایف مرد در زندگی تلاش برای ایجاد شرایط زندگی مطلوب و معقول دانسته شده است و اسلام از گسترش زندگی اعضای خانواده استقبال می‌کند. در متون دینی، مردی که برای این کار تلاش می‌کند، از محبوب‌ترین مردان در نزد خداوند متعال شمرده شده است.²⁵

اگر اعضای خانواده‌ای از امکانات لازم برخوردار باشند، با خاطری آسوده‌تر در مسیر تعالی حرکت می‌کنند، ولی اگر از طرف مرد خانواده با محدودیت مواجه شوند، همواره دچار اضطراب خواهند بود و نسبت به نان‌آور خانه، دید منفی پیدا می‌کنند و در پی آن، تعادل خانواده از بین می‌رود. اسلام گشایش در

زندگی را شایسته دانسته، به گونه‌ای که در روایتی بیان شده است که در زندگی به گونه‌ای گشایش ایجاد نمایید که اعضای خانواده مرگ شما را آرزو نکنند.²⁶

در روایات، گسترش در زندگی از حقوق زن شمرده شده و مورد توجه ائمه طاهرین 3 قرار گرفته است. آنچه از احادیث برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که تلاش مرد برای تأمین نیازمندی‌های زندگی و توسعه در آن مورد توجه ویژه خداوند است و جزای آن را با پاداش شهادت در راه خدا که از بالاترین پاداش‌هاست، مقایسه نموده‌اند و پاداش کسی را که برای خانواده خود تلاش می‌کند، همانند پاداش شهید و «مجاهد فی سبیل‌الله»²⁷ و گاهی بالاتر از آن شمرده‌اند.²⁸ در نقطه، مقابل افرادی که به این مسئله بی‌توجهی نموده‌اند، مورد سرزنش قرار گرفته و مذمت شده‌اند.

د) آراستگی ظاهری

آراستگی ظاهری، از مهم‌ترین نشانه‌های مسلمانی است. خداوند، خود زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد. همان‌گونه که زیبایی زن و آراستگی او برای مرد اهمیت دارد، زن نیز این توقع را از همسر خود دارد و رعایت نظافت و آراستگی مرد، از حقوق وی است. آراستگی مرد موجب احساس رضایت زن از زندگی می‌شود و بر عفت و پاکدامنی او می‌افزاید.

یکی از یاران امام هفتم⁷ علت خضاب کردن را از ایشان پرسید. امام در جواب فرمود:

آمدگی و خودآرایی مرد، موجب افزایش عفت زنان است. زنانی که عفت را ترک کردند به خاطر این بود که شوهر خود را مرتب و آراسته ندیدند. زنان بنی‌اسرائیل از عفت و پاکی دست کشیدند و این مسأله جز به این دلیل نبود که

شوهران آنان، خود را نمی‌آراستند. زن هم از مرد همان
انتظاری را دارد که مرد از او دارد.²⁹

عفت و پاکدامنی، مهم‌ترین عامل استحکام خانواده است. اگر عفت از
خانواده‌ای رخت بریست، اعتماد و وفاداری در آن خانواده از بین خواهد رفت. این
وفاداری و اعتماد بین زوجین عامل انسجام، اتحاد و همبستگی زن و شوهر می‌شود
و باعث تعادل و کارآمدی هر چه بیشتر خانواده خواهد شد. البته باید به این نکته
نیز توجه داشت که عفت و پاکدامنی، یکی از مهم‌ترین عوامل تربیت فرزندان و به
دنبال آن اصلاح جامعه است. فرزندان با الگوگیری از والدین خود، انسان‌هایی
پاکدامن خواهند شد.

ه) رعایت اخلاق اسلامی

زن، نعمتی الهی برای مرد است³⁰ و شایسته تعاملی شایسته و پسندیده.³¹ رعایت
اخلاق اسلامی و دوری از اهانت و تحقیر، نه فقط در خانواده و بین اعضای آن،
بلکه وظیفه انسانی و اخلاقی هر مرد و زنی در جامعه است. مرد نباید عیوب همسر
خود را بزرگ جلوه دهد، بلکه بر اساس دستورات دینی باید آن را بپوشاند.³² از
موارد مهم معاشرت نیکو، بخشش است. آنان که از خطاهای دیگران می‌گذرند و
از حق شخصی خویش چشم‌پوشی می‌کنند، محبت دیگران را به خود جلب
می‌کنند و آنان را خوش‌بین، وفادار و با محبت نگاه می‌دارند.

برخورد نیکو، هم در گفتار و هم در رفتار باید آشکار گردد. وقتی مرد با
کلماتی زیبا و چهره‌ای باز با همسر خود روبرو می‌شود، در واقع کلید محبت و
دوستی و برقراری ارتباط صمیمی و کارآمد را به دست او داده است و با گفتار
دلپذیر و شادی‌بخش، روابط را استوار می‌گرداند. متانت سخن و ادب گفتار و
زیبایی کلام از ویژگی‌های افراد پاک‌دل و از اخلاق اولیای دین است. از سوی

دیگر چهره گرفته و آشفته و کلمات آزاردهنده، راه هر گونه ارتباط و صمیمیت را می‌بندد و به تدریج، فاصله روانی و عاطفی افراد را زیاد می‌کند و سبب ناکارآمدی و عدم تعادل و سلامت خانواده می‌شود.

حقوق شوهر

رعایت حق شوهر از سوی زن، نقش مهمی در استحکام زندگی و سلامت خانواده دارد. همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند و آنگاه که زن، حقوق شوهر خود را رعایت کند، مرد نیز با دل‌گرمی بیشتری وظایف خود را در قبال خانواده انجام خواهد داد. انجام وظایف و رعایت حقوق متقابل، زمینه‌ساز بروز رفتارهای بهنجار و در نتیجه تحقق سلامت خانواده خواهد شد. در ادامه اشاره‌ای به مهم‌ترین حقوق شوهر خواهیم کرد.

الف) تمکین زن

در بحث مربوط به حقوق زن گفتیم که نفقه یکی از حقوق زن است، ولی پرداخت نفقه از سوی شوهر، منوط به تمکین زن است و اگر زن تمکین نکند ناشزه بوده، نفقه به وی تعلق نمی‌گیرد. ماده 1108 قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز به این موضوع اشاره کرده است.³³

زن در غیر ایامی که از نظر شرع، محدودیت دارد، واجب است به ارضای نیاز جنسی همسرش جواب مثبت بدهد. رسول خدا 9 می‌فرماید:

بر زن لازم است از بهترین عطر استفاده کند، زیباترین لباس را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش دهد و صبح و شام خود را به شوهر عرضه کند... حق شوهرش بیش از اینهاست.³⁴

همچنین ایشان به زن‌ها توصیه می‌کند که مصاحبت و ارضای غریزه جنسی شوهران خود را بر طولانی کردن نماز با انجام مستحبات ترجیح دهند.³⁵

گفتنی است که تمکین نیز آمادگی می‌خواهد؛ شرایطی می‌خواهد که باید هم برای مرد فراهم باشد و هم برای زن. اگر این کار با اذیت و آزار صورت گیرد، در اسلام، از معاصی کبیره به شمار می‌آید. اذیت و آزار، به هر صورتی که باشد حرام است. از طرف دیگر اگر زن، آمادگی برای تمکین داشت، ولی با قصد اذیت کردن همسر خویش از این کار امتناع کرد، ناشزه است.³⁶

ب) حق اجازه خروج از منزل

این حق در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است. در منابع شیعی، روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارند³⁷ و روایات مشابهی در منابع اهل سنت نیز نقل شده است.³⁸ از میان فقها، فقط برخی معتقدند که لزوم کسب اجازه از شوهر، اختصاص به مواردی دارد که خارج شدن از منزل با حقوق جنسی شوهر منافات داشته باشد، که این اختصاص با اطلاق روایات نمی‌سازد.³⁹

ج) تعیین مسکن برای زن

زمانی زن می‌تواند به تکلیف خود در ارضای جنسی شوهر عمل کند که از نظر محل سکونت، تابع شوهر باشد. دین مبین اسلام نیز این حق را به مرد داده است.⁴⁰ با این وجود، می‌توان هنگام عقد، با شرط ضمن عقد، حق تعیین محل سکونت را به زن داد و اگر شوهر این شرط را بپذیرد، باید به آن عمل کند⁴¹ و تخلف از آن خلاف وفای به عهد است.⁴² در قانون مدنی جمهوری اسلامی نیز به این حق اشاره شده است.⁴³

حقوق فرزندان

بنا بر آیات قرآن کریم، یکی از اهداف ازدواج، رسیدن به آرامش⁴⁴ و از اسباب رسیدن به آرامش نیز وجود فرزندان در زندگی مشترک است. فرزندان نیز مانند زن و مرد، حقوق و وظایفی دارند که رعایت آنها در رسیدن خانواده به کمال مطلوب، نقش بسزایی دارد. در ادامه به تعدادی از حقوق فرزند اشاره شده است.

الف) نام نیک

امام رضا⁷ نام گذاری نیکو را احسان و نیکی در حق فرزند می داند و می فرماید: نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست. پس لازم است هر یک از شما نام نیکو برای فرزند خود انتخاب کند.⁴⁵

تأثیر نام بر شخصیت فردی و اجتماعی انسان، امروزه در علم روان شناسی به اثبات رسیده است.

نام گذاری فرزند در نظام تربیتی اسلام اهمیت فراوان دارد و حتی سفارش شده که پیش از ولادت فرزند، نام نیکویی برایش انتخاب شود. در اسلام بهترین نام ها، نامی است که دلالت بر بندگی دارد و یا یکی از نام های معصومین) باشد. همچنین والدین از نام گذاری فرزندان با نام های پست و زشت نهی شده اند. انتخاب نام زشت و تحقیر کننده، تأثیر نامطلوبی در شخصیت کودک خواهد داشت. هر چند فرزند پس از رسیدن به سن قانونی می تواند نام خود را عوض کند، از داشتن نام نیک در مدت زمانی محروم شده است.

ب) حق تغذیه با شیر مادر

تغذیه با شیر مادر از حقوق طفل بر پدر و مادر است و از زمان آغاز تولد کودک

شروع می‌شود. امروزه پژوهش‌های پزشکی تأیید می‌کند که شیر مادر، کامل‌ترین و مناسب‌ترین غذا برای نوزاد است. کودکانی که از بدو تولد تا دو سال تمام با شیر مادر تغذیه می‌شوند، نسبت به سایر کودکان ضریب سلامتی جسمی و بهره‌هوشی بالاتری دارند. به همین دلیل اسلام برای مادران شیرده، ثواب زیادی مقرر کرده است. پیامبر اسلام ⁹ می‌فرماید:

هنگامی که مادر، فرزند خود را شیر می‌دهد، در هر مرتبه‌ای که کودک از پستان او شیر می‌مکد، خدای متعال ثواب فراوانی به او عطا می‌کند و آنگاه که از شیر دادن فراغت می‌یابد، فرشته‌ای دست بر پهلو مادر نهاده و می‌گوید زندگی را از نو آغاز کن که خداوند تمام گناهان گذشته‌ات را آمرزید.⁴⁶

گفتنی است که اقتضای حکمت کامله حضرت حق، قرار دادن هر چیزی در جای خود و جامع‌نگری در تشریح است. نگاهی به ولادت نوزاد و نیاز غذایی او، هم‌زمان بودن ترشح شیر در سینه مادر و تولد نوزاد و نیاز غذایی او و ترکیب شیر مادر، همه نشان از حکمت حضرت باری تعالی دارد و برای اندیشه‌مندان و خردورزان نشانه توحید است.⁴⁷

شیر مادر مزایای بسیاری دارد که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. آشنایی با این مزایا مادران را برمی‌انگیزد که فرزند خود را از این حق محروم نسازند و باور کنند که تغذیه با شیر مادر، حق فرزند است. مواد سازنده شیر مادر

پروتئین: پروتئین‌های موجود در شیر مادر، بهترین کیفیت هضم و جذب را برای نوزاد دارد و زمینه رشد مطلوب وی را فراهم می‌سازند.

چربی: چربی‌های شیر مادر، بیشتر از نوع چربی‌های لازم برای ساختمان مغز

بوده، نیازهای انرژی‌زایی نوزاد را تأمین می‌کند.

مواد قندی: ترکیب شیر مادر از نظر مقدار و نوع مواد قندی، با سایر شیرها فرق دارد. قند شیر مادر از نوع لاکتوز است. این ماده، جذب کلسیم را در داخل روده نوزاد افزایش می‌دهد و بر رشد استخوانی او می‌افزاید.

آب: آب، شیر مادر را به شکل مایعی با غلظت مناسب در آورده، شیرخوار را از مصرف آب اضافی بی‌نیاز می‌کند.

ویتامین‌ها: شیر مادر حاوی گونه‌های مختلف ویتامین محلول در آب و چربی است. از آنجا که این شیر، به شکل تازه و بدون برخورد با حرارت مصرف می‌شود، بیشترین میزان ممکن ویتامین را داراست. بسیاری از این ویتامین‌ها در حرارت بالاتر از شصت درجه سانتیگراد، خراب و بی‌خاصیت می‌شوند.

املاح و مواد معدنی: مقدار مواد معدنی موجود در شیر مادر، متناسب با سیستم دفع ادرار و کلیه‌های شیرخوار است.⁴⁸

ج) تربیت اجتماعی فرزند

انسان، موجودی است که در اجتماع به کمال می‌رسد و برخی نیز او را «مدنی» بالطبع دانسته‌اند. برای تربیت باید به این نکته توجه شود، آغاز رشد اجتماعی فرزندان در محیط خانواده است و توجه به رشد اجتماعی آنان از وظایف تربیتی والدین است تا استعدادها و توانایی‌های آنها شکوفا شود؛ به تعبیر دیگر، تربیت اجتماعی یکی از حقوق فرزندان است.

تربیت درست اجتماعی فرزندان، نه فقط در سعادت دنیوی و اخروی ایشان، بلکه با تأثیر و تأثر تعاملات اجتماعی افراد، در کمال جامعه نیز مؤثر خواهد بود. اسلام، دین جامع‌نگری که به تمام شئون حیات انسان توجه دارد، به تربیت اجتماعی انسان نیز توجه ویژه داشته است.

آنچه اکنون به روشنی می‌توان دید، اثر تربیت خانوادگی بد یا خوب اشخاص در نظام اجتماعی است. دین اسلام پایه‌های تربیت را در درون افراد بنیان گذارده و آنان را به رعایت اصولی سفارش کرده است که نظام اجتماعی از ثمرهای مفید آن یعنی، تعادل، روابط پایدار، محبت متقابل، نظارت، مراقبت اجتماعی و... بهره‌مند می‌شود.

بی‌تردید، خانواده اولین نهادی است که اصول اخلاق فردی و اجتماعی در آن تجربه می‌شود و کودکان و نوجوانان با مشاهده رفتار اعضای خانواده آنها را می‌آموزند. از نظر اسلام خانه‌ای سالم و مطلوب است که محیط آن الهی باشد و پدر و مادر با رعایت انصاف و عدالت در میان فرزندان،⁴⁹ ترحم و دلسوزی نسبت به کودکان و احترام به بزرگان و سالمندان،⁵⁰ نمونه‌ای شوند، تا فرزندان با دیدن الگوی رفتاری آنها در زندگی اجتماعی و مواجهه با افراد اجتماع، از این آموزه‌های الهی بهره ببرند.

د) ازدواج

ازدواج از حقوق هر انسانی است و این حق از جمله حقوق مسلم فرزندان بر والدین و به ویژه پدر است. پدران باید فرزندان را در انتخاب همسر مناسب یاری رسانند و مقدمات این امر مقدس را برای آنان فراهم آورند.

بر اساس آموزه‌های دینی، از جمله حقوق فرزند بر پدر، این است که نام نیک برای او انتخاب کند، به او نوشتن پیام‌آموزد و آنگاه که به سن بلوغ رسید، زمینه ازدواج او را فراهم کند.⁵¹ خداوند متعال مسلمانان را به این کار دستور داده است و فراهم آوردن امکان ازدواج فرزندان را بر پدران واجب نموده است.⁵²

حقوق والدین

خداوند متعال در آیات زیادی احسان به والدین سفارش فرموده و آن را پس از دستور به خداپرستی قرار داده است. این، نشان دهنده میزان اهمیت احترام به والدین و رعایت حقوق ایشان از دیدگاه دینی است.⁵³ مصادیق احسان در روایات با تفصیل بیان شده است. برخی از مهم‌ترین مواردی که در روایات بیان شده، به شرح زیر است:

P به آرامی و نرمی با آنان سخن گفتن؛⁵⁴

P اطاعت از پدر و مادر؛⁵⁵

P قطع نکردن سخنان آنان؛

P تواضع و فروتنی در برابر آنان؛⁵⁶

P برآورده کردن نیازهای پدر و مادر؛

P مشارکت در غم و شادی آنان؛

P اجتناب از امر و نهی آنان؛⁵⁷

P قدردانی لفظی و عملی از زحمات‌های آنان؛⁵⁸

P اجتناب از آزردهن آنان حتی به اندازه گفتن کلمه اُف؛⁵⁹

P رسیدگی ویژه به پدر و مادر به هنگام پیری.⁶⁰

اگر فرزندی پدر و مادر خود را با اسم آنها صدا کند، گویا فرزند بودن خویش را فراموش کرده و یا به آن توجه کافی ندارد. به تدریج رابطه عاطفی و والدین و فرزندی کم‌رنگ شده و فرزندان نسبت به رعایت حقوق والدین خود احساس وظیفه نمی‌کنند.⁶¹ رسول خدا⁹ نیز از فرزند خود حضرت زهرا⁸ می‌خواست که ایشان را «پدر» خطاب کند و عنوان‌های دیگر مثل رسول خدا - را به کار نبرد.⁶²

در فقه شیعه نیز احکامی برای رعایت حقوق والدین بیان شده است. برخی از حقوق شرعی والدین و وظایف فرزندان عبارتند از:

الف) مسافرت غیر واجب با نهي والدین جایز نیست و در صورت سفر، نماز فرزند کامل و روزه او حکم روزه مسافر را ندارد؛ زیرا چنین سفری سفر معصیت است. اگر جهاد بر کسی واجب عینی نباشد و والدین وی او را از این کار نهي کنند، بر او واجب است از ایشان اطاعت نماید.

ممانعت ایشان از واجبات کفایی، در صورتی که افراد دیگری برای انجام آنها وجود داشته باشد، نافذ است.

اگر فرزند در حال خواندن نماز مستحب است و والدین از او چیزی بخواهند، بر او واجب است که نماز را قطع کرده، دعوت ایشان را پاسخ گوید.

ه) اگر والدین، اجازه روزه مستحبی را به فرزند ندهند، وی حق روزه گرفتن را ندارد.⁶³

اطاعت و پیروی از والدین در همه کارها واجب است و از حقوق آنان است، مگر در مواردی که از عمل واجب نهي کنند و یا به کار حرامی دستور دهند.⁶⁴

حقوق مشترک اعضای خانواده

صله رحم از دستورات الهی برای هر مسلمانی است. در اندیشه اسلامی، حفظ، گسترش و تعمیق روابط خویشاوندی و ارتباط صمیمانه و حمایتی خویشاوندان آنچنان اهمیتی دارد که پیامبر اسلام^ﷺ آن را بخشی از دین دانسته و هدف از رسالت خویش را پس از بندگی خداوند و مبارزه با بت پرستی، صله رحم معرفی می کند. در منابع دینی حق مشترک صله رحم، زمینه ساز دستیابی بهنجار در تمام امور خانواده معرفی شده است. صله رحم باعث می شود که بسیاری از مشکلات خانواده ها حل گردد و به بحران تبدیل نشود.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج این پژوهش عبارتند از:

1. دین مبین اسلام برای هر یک از اعضای خانواده حقوق و به دنبال آن وظایفی را مشخص کرده است.
2. رعایت حقوق خانواده و انجام وظایف الهی در برابر دیگر اعضای خانواده سبب استحکام آن و در نتیجه تکامل و سلامت خانواده می‌گردد.
3. اگر هر یک از اعضای خانواده، وظایف خود را در قبال دیگر افراد انجام ندهد خانواده دچار مشکل شده و از حالت تعادل خارج می‌گردد.
4. مهم‌ترین هدف از کارآمدی و تعادل و سلامت خانواده، ساخته شدن انسانی با معیارهای الهی است، که این مهم جز با رعایت حقوق الهی اعضای خانواده به دست نمی‌آید.

پی‌نوشت

1. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 14، کتاب النکاح، ابواب مقدماته، باب اول، صص 3 و 5.
2. دفتر نشر آثار امام خمینی (ره)، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص 81.
3. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 71، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1983 م، ص 243.
4. محمد رضا سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1385، ص 13.
5. در این تعریف سه عنصر وجود دارد. الف) کسی که حق برای اوست (من له الحق)؛ ب) کسی که حق بر اوست (من علیه الحق)؛ ج) آنچه متعلق حق است.
6. محمد تقی مصباح، مجموعه آثار (حقوق و سیاست در قرآن 1)، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1384، ص 29.
7. همان، ص 31.

8. محمد جعفر جعفری لنگرودی، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، تهران، انتشارات گنج دانش، 1370، ص 5.
9. محمد مهدی صفورایی، «نقش حقوق در کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، مجله معرفت، شماره 154، ص 71.
10. مجموعه آثار (حقوق و سیاست در قرآن 1)، ص 33.
11. مجموعه آثار (اخلاق در قرآن 3)، ص 64.
12. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده 1103.
13. همان، ماده 1104.
14. همان، ماده 1177.
15. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، صص 299-300.
16. همان
17. همان
18. همان
19. نفقه، عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده 1107)
20. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، صص 288-299.
21. نساء: 1
22. محمد تقی مصباح، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1386، ص 25.
23. سید محمد موسوی بجنوردی، حقوق خانواده، تهران، انتشارات مجد، 1386، ص 311.
24. *Bradford*
25. «ان ارضاکم عندالله اسیبکم علی عیاله». (کافی، ج 4، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ص 11)
26. «ینبغی للرجل ان یوسّع علی عیاله کیلا یتمنّو موته...». (کافی، ج 4، ص 11)
27. «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله». (وسائل الشیعة، ج 12، ص 43)
28. «الذی یطلب من فضل الله ما یکفّ به عیاله، اعظم اجراً من المجاهد فی سبیل الله عزوجل». همان
29. «ان نساء بنی اسرائیل خرجن من العفاف الی الفجور، ما اخرجهن الاّ قلة تهیئة ازواجهن و قال انها

- تشتهی منک مثل الذی تشتهی منها». (بحارالانوار، ج 73، ص 102)
30. «فتعلم أن ذلك نعمة من الله عليك فتكرمها و ترفق بها». (همان، ج 71، ص 4)
31. «ان المرء يحتاج في منزله و عياله الى ثلاث خصال يتكفلها و ان لم يكن في طبعه ذلك؛ معاشرة جميلة...». (همان، ج 75، ص 235)
32. «و اما حقّ الزوجة فان تعلم أنّ الله عزّوجل جعلها لك سكناً و انساً ... و اذا جهلت عفوت منها». (وسائل الشیعه، ج 15، ص 172؛ همان، ج 2، ص 196)
33. هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.
34. «علیها أن تطیب باطیب طیبها و تلبس احسن ثیابها و تزین بأحسن زینتها و تعرض نفسها علیه غدوة و عشية و اكثر من ذلك حقوقه». (وسائل الشیعه، ج 14، ص 8)
35. «للنساء لا تطولنّ صلاتنّ لئلا تمنعن ازواجكنّ». (کافی، ج 5، ص 508، به نقل از: سید حسن اسعدی، خانواده و حقوق آن، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، 1387، ص 399)
36. حقوق خانواده، ص 311.
37. وسائل الشیعه، ج 14، صص 112-156؛ همان، ج 15، ص 230؛ همان، ج 5، ص 418.
38. الهیثمی، مجمع الزوائد، ج 4، ص 313.
39. حسین بستان، اسلام و تفاوت های جنسیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 60.
40. وسائل الشیعه، ج 14، صص 435 و 494.
41. همان، ج 15، ص 49.
42. اسلام و تفاوت های جنسیتی، ص 68.
43. زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند، سکنی نماید؛ مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده 1114)
44. رم: 21
45. «أول ما یبر الرجل ولده أن یسمیه باسم حسن فلیحسن أحدكم اسم ولده». (محجة البیضاء، ج 2، ص 66)
46. «... فإذا أرصعت كان لها بكلّ مصله كعدل عتی محرر من ولد اسماعیل، فإذا فرغت من رضاعه ضرب ملك كريم علی جنبها و قال: استأنفی العمل فقد غفر لك». (همان)
47. در دعای عرفه، امام حسین (ع) در مقام شمردن نعمت های الهی اشاره به تغذیه دوران کودکی می کند و می فرماید: «و حفظتني فی المهد طفلاً و رزقتني من الغداء لبناً تریاً...». در کتاب های کلامی نیز از اصل

- تطابق درون با برون به عنوان یکی از دلایل توحید یاد می‌کنند و از جمله مثال‌های آن، ولادت فرزند و فراهم آوردن غذای او در سینه مادر را ذکر می‌کنند.
48. خانواده و حقوق آن، صص 418-420.
49. «اعدلوأ بین اولادکم كما تحبون ان يعدلوا بینکم» (بحارالانوار، ج 101، ص 92، باب فضل اولاد...)
50. «و قروا کبارکم و ارحموا صغارکم». (عیون اخبارالرضا، ص 163)
51. «من حقّ الولد علی والدیه ثلاثه: یحسن و یعلمه الکتابه و یزوجهُ اذا بلغ». (محمدی ری شهری، میزان‌الحکمه، ج 10، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، 1379، ص 720)
52. تفسیر البرهان، ج 3، ص 132، ذیل آیه 32، سوره نور.
53. بقره: 83؛ نساء: 36؛ اسرا: 23.
54. «و لاترفع صوتک فوق اصواتهما». (وسائل الشیعه، ج 15، ص 205)
55. «ان اشکر لی ولوالدیک الی المصیر و ان جاهداک علی ان تشکر بی ما لیس لک به علم فلا تعلمهما و صاحبها فی الدنیا معروفًا و اتبع سبیل من اتاب الیّ ثم الی مرجعکم فأتینکم بما کنتم تعملون». لقمان: 14-15
56. «علیک بطاعة الاب و برّه و التواضع و الخضوع و الاکرام له و حفص الصوت بحضرتہ...». (همان، ج 71، ص 76)
57. وسائل الشیعه، ج 15، صص 277 - 205
58. «ان الله امر بالشکر له و لوالدیه فمن لم یشکر والدیه لم یشکر الله». (مسندالامام الرضا، ج 1، ص 268)
59. «لو علم الله لفظه اوجز فی ترک عقوق الوالدین من أفّ، لآتی به». (تفسیر مجمع‌البیان، ج 6، ص 409)
60. «و قضی ربک آلا تعبدوا آلا اياه و بالوالدین احسانا اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما افّ و لا تنهرهما و قل لهما قولاً کریمًا و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه و قل رب ارحمهما کما ربّانی صغیرا». اسراء: 23-24
61. خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص 87.
62. بحارالانوار، ج 43، ص 32.
63. روح‌الله خمینی، توضیح المسائل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1381، احکام نماز و روزه.
64. «برالوالدین واجب و ان کان مشرکین و لا طاعة لهما فی معصیه الخالق». (بحارالانوار، ج 71، ص 72)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی